



یار ذخیره؟!!

حداقل در ادبیات کهن ایرانی در مقایسه با آنچه در جهان معاصر مشاهده می‌کنیم، حساسیت و عنایت کمتری به ورزش مشاهده می‌کنیم.

در جهان پیشامدرن، تقابل جسم و روح تداوم می‌یابد. ما در تاریخ قرون وسطی در غرب شاهد ستم‌های ناعادلانهٔ فراوان بر بدن هستیم؛ پس از رنسانس، در غرب به تدریج به جنبه‌های مادی و جسمانی آدمی توجه می‌شود؛ بدن محلی از اعراب می‌یابد و فرودستی مسلم جسم یا بدن به چالش گرفته می‌شود. بدین ترتیب، بدن وارد گفتمان جدیدی از اندیشه اجتماعی می‌شود که جایگاه والا و در خور احترامی برای آن تصویر می‌کند. ارج نهادن این گفتمان جدید به بدن در حدی است که برخی متفکران قائل به نوعی چرخش اجتماعی به نام چرخش به سمت جامعهٔ جسمانی می‌شوند.

توجه به بدن در قرن جدید بسیار فراگیر شده است؛ به طوری که علاوه بر حوزه‌های آموزشی که

نمی‌دانم خوانندهٔ نشریه که حتماً آموزش عمومی را در دبستان و دبیرستان گذرانده است، چه تصویری از درس ورزش در مقایسه با سایر دروس دارد. در ذهن من، ورزش در مقایسه با سایر دروس اثر و رد کمتری باقی گذاشته است. زنگ ورزش ما در گذشته یا صرف دروس به اصطلاح مهم‌تر مانند ریاضیات و علوم می‌شد یا اینکه به دلیل برف و باران در کلاس به انجام دادن تکالیف می‌گذشت. در دورهٔ دبیرستان هم فقط یک بار دبیر ورزش اختصاصی داشتیم که تنها کار او در درس ورزش، تأکید بر خرید لباس ورزشی بود. به سال‌های آخر دبیرستان هم که رسیدیم، با وجود حجم زیاد دروس و اهمیت زیادی که به آن‌ها می‌دادند، عملاً ورزش به فراموشی سپرده شد. کم ارزش شمرده شدن درس ورزش و تربیت بدنی، علاوه بر کمبود امکانات از نظر محیطی و مادی، ناشی از نگاه اولیا و دبیران به ورزش بود که البته ریشه در فرهنگ گذشتهٔ ما داشت.



تفریحی سالم و ترویج بهداشت و اصول سالم زیستن و پیشگیری از ایجاد بیماری و اختلال و معلولیت‌های اندامی و توانمندسازی افراد در تسلط بر رفتار خود و حفظ سلامت است.^۱ از این رو ورزش به عنوان یک مادهٔ درسی، اهمیتی هم‌تراز سایر دروس در حوزه‌های مختلف یادگیری دارد. نباید ورزش را همچون یارذخیرهٔ سایر دروس فرض کرد که هر گاه لنگ می‌مانند و وقت کم می‌آورند، به کمک آن‌ها می‌آید و وقت و توان خود را برای دیگر دروس خرج می‌کند، بلکه ورزش و تربیت بدنی فی نفسه اصالت دارند و از حیث توجه به تمامی جنبه‌های وجود آدمی باید مورد توجه مربیان و سیاستگذاران مدارس قرار گیرند. نباید ورزش و تربیت بدنی در مدارس، به جای هدف اصلی‌شان که به قول توران میرهادی، کسب دانش و تولید محصول مادی یا معنوی است، معطوف رقابت شود، که در این صورت، کیفیت تلاش فرد نزول می‌کند و اسیر رقابت می‌شود. بخش عمدهٔ این شمارهٔ نشریهٔ رشد مدرسهٔ فردا دربارهٔ تربیت بدنی و ابعاد مختلف آن است. همچنین، در ادامهٔ بحث ارزشیابی در شمارهٔ پیشین نشریه، مطالبی را در این حوزه آورده‌ایم.

* پی‌نوشت‌ها

۱. اباذری یوسفعلی، و حمیدی، نفیسه. (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی بدن و پاره‌ای مناقشات، نشریهٔ پژوهش زنان. دورهٔ ششم. شمارهٔ چهار. صص ۱۶۰-۱۲۷.
۲. برنامهٔ درسی ملی ایران، صفحهٔ بیست و نه.

ورزش و تربیت بدنی را در زمره برنامه‌های اساسی آموزش و پرورش قرار داده‌اند، در زندگی روزمره هم به گونه‌های مختلف مانند جراحی‌های زیبایی، مد، لباس، آرایش، رژیم غذایی، درمان، شیک‌پوشی و امثال این‌ها، بدن در مرکز توجه دارد و جامعه‌شناسی بدن امروزه از مسائل مورد توجه جامعه‌شناسان است. در واقع، بدن به گونه‌ای نشانه بدل شده است که با تغییر در آن و ریاضت و تحمل درد جراحی و رژیم غذایی، به لذتی روحی دست پیدا می‌کنند، اما در حوزهٔ تعلیم و تربیت با بدن به گونه‌ای دیگر برخورد می‌شود.

در سند برنامه درسی ملی ایران، تربیت بدنی و سلامت در کنار هم در یک حوزه قرار گرفته‌اند و هدف از تربیت بدنی "سلامت کامل جسمی و روانی دانش‌آموزان به عنوان امانت الهی و به‌کارگیری روش‌های درست فعالیت جسمانی، ارتقای توانایی‌های بدنی و حرکتی، تبیین روش‌های